

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه صدم، ۲۲ اسفند ۱۴۰۱

موضوع: مسائل مستحدثه (بوس) / مسائل متفرقه بورس - ربا / اقوال فقها در هبه طرفینی و سایر راههای برون رفت از ربا

1- حدیث اخلاقی (تفاوت درجه مسلمان، مؤمن و متقی)

حدیث امروز در محضر رسول مکرم صلی الله علیه و آله هستیم. ماه شعبان و ماه رسالت است. الحمد لله از منبع فیض حضرت بهره‌مندیم. فرازی از خطبه حضرت رسول مکرم صلی الله علیه و آله است. ناقل، ابوهریره است. این روایت در بحار است:

عن أبي هريرة قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول في خطبته: «أيها الناس إن العبد لا يكتب من المسلمين حتى يسلم الناس من يده ولسانه، ولا ينال درجة المؤمنين حتى يأمن أخوه بوائقه وجاره بوادره ولا يعد من المتقين حتى يدع ما لا بأس به حذارا عما به البأس. إنه من خاف البيات أدلج [1].»

1.1- مسلمان حقیقی

حضرت، فرق بین مسلمان و مؤمن و متقی بیان فرمودند. تعبیر انشاء خطبه حضرت این گونه است که بنده از مسلمانان به حساب نمی‌آید، مگر اینکه مردم از دست و زبانش در امان باشند؛ «المسلم من سلم الناس من يده ولسانه»؛ [2] با زبانش، غیبت و تهمت نزنند و با دستش، آلوده به حرام نشود و به اموال مردم دست نزنند. اگر این چنین باشید، می‌شود به او مسلمان گفت.

1.2- مؤمن حقیقی

صحبت درجه شد و بالاتر آمد. این شخص به درجه مؤمنین نمی‌رسد، تا ایمن کند برادر دینی‌اش را از شر و آزارش. «بوائق»، جمع «بائقه»، یعنی بدی‌ها و زشتی‌ها؛ «بوادر، جمع «بادره» است، یعنی خشونت‌ها و تندی‌ها. برای همسایه نباید خشونت کرد و برای برادر مؤمن نباید آزار کرد. اگر اذیت و آزار و ناراحتی‌ای نبود، جزو انسان‌های مؤمن می‌شود. اگر می‌خواهی سیر و سلوک داشته باشی، نه پرنج و نه پرنجان. رنجاندن را می‌شود تحمل کند، ولی نرنجد خیلی سخت است. از آن سالک دیگر پرسیدند سیر و سلوک شما در چیست؟ گفت: واجبات را انجام دهید و محرمات را ترک کنید.

1.3- متقی حقیقی

بخش سوم روایت این است که انسان از متقین شمرده نمی‌شود، مگر اینکه چیزهایی که بآسی به آن نیست، رها کند، در مقابل آن که بآسی دارد. آن که بآسی در آن نیست، یعنی شبهات را ترک کند.

کسی که متقی و اهل پرهیز است، از امور مشتبه هم پرهیز می‌کند، تا خدای نخواستہ در محرمات واقع نشود. ترک آن چیزی می‌کند که اشکال ندارد، تا به آن چه اشکال دارد، نرسد.

در نهایت حضرت فرمودند: «إِنَّهُ مَنْ خَافَ الْبَيَاتِ، أَدْلَجَ»؛ اگر کسی نگران این باشد خواب بماند، راه این است که شبانه حرکت کند. در قدیم، شب‌ها برای استراحت، توقف می‌کردند؛ برخی برای ترس از خواب ماندن، شبانه می‌رفتند.

آن که نگران نماز شبش هست، باید برنامه‌ریزی کند خواب نماند. قافله سیر و سلوکیان بروند و او عقب بماند. این نکته آخر که می‌خواهیم متقی باشیم، مهم است ﴿وَأَجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ [3]. آنچه انسان را خیلی زود از سیر و سلوک عقب می‌اندازد، این است که انسان مواظب حرف‌هایش نباشد، حتی شوخی‌ها. درست است که ادخال سرور مهم است، ولی مواظب باشیم.

در روایتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسند احمد بن حنبل آمده است: گاهی انسان سخنی می‌گوید که اطرافیان خود را بخنداند، ولی به اندازه ثریا از سیر و سلوک دور می‌شود.

«إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ يُضْحِكُ بِهَا جُلَسَاءَهُ، يَهْوِي بِهَا مِنْ أْبَعْدِ مِنَ الثُّرَيَّا» [4].»

باید مراقب حرکات خود باشیم. «کل مکروه جایز»، «کل مشکوک جایز»، «کل مظنون جایز»، درست است، ولی این فقهی است. در سیر و سلوک، جایز و مشکوک را هم باید ترک کرد؛ مقدمه و پیش‌نیاز را باید ترک کرد، تا مرتکب حرام نشویم. ان‌شاء‌الله خدا توفیق دهد که جزو متقین باشیم.

## 2- خلاصه جلسه گذشته

در راه‌های خروج موضوعی از معاملات ربوی بودیم. اگر جنس معامله شود، با زیاده ربا بود.

## 3- ادامه راه‌های برون رفت از ربا

### 3.1- هبه طرفینی

از راه‌هایی که موضوع معامله را می‌توان عوض کرد و حکم عوض شود، این است که بایع و مشتری به هم هبه کنند؛ هبه طرفینی؛ هر یک چیزی به دیگری می‌بخشند؛ هبه طرفینی دارند،

ولی ظریف است؛ به شرط فعل یا نتیجه نباید باشد. اگر به شرطی باشد که نتیجه‌اش بخشش باشد، حرام است؛ هبه معوضه می‌شود که غیر از هبه طرفینی است؛ من این قلم را بدهم که شما آن کتاب را به عنوان هدیه بدهید، اگر توجه به زیاده باشد، حرام است. کالایی را می‌دهد و به زیاده می‌گیرد، حرام است. اگر مقابلش شرط زیاده کند و لو به هبه باشد، حرام است. ولی قسم سوم اینکه چیزی می‌دهد و چیزی می‌گیرد، ولی نه به عنوان عوض، بلکه به عنوان هبه؛ توجه به موهوب است، نه هبه به عنوان شرط.

### 3.1.1-3 نظر صاحب شرایع رحمه‌الله در مورد هبه طرفینی

مرحوم محقق حلی رضوان‌الله‌علیه، این هبه را صحیح می‌داند و راه خروج از ربا می‌داند [5].

### 3.1.2-3 نظر صاحب جواهر رحمه‌الله در مورد راه‌های تخلص از ربا و هبه طرفینی

مرحوم صاحب جواهر رضوان‌الله‌علیه هم در جواهر، ج ۲۳، ص ۳۹۶ این قسم معامله را صحیح می‌داند؛

اینکه ما موضوع را عوض کنیم، راه خروج از باطل به حق است. ایشان تمام راه‌های برون‌رفت موضوعی از ربا را درست می‌داند.

### 3.1.2.1-3 مشروعیت راه‌های تخلص از ربا

ایشان این راه‌های برون‌رفت از ربا را اینگونه می‌آورند:

«وکیف کان فقد عرفت مشروعیة الاحتیال فی التخلص من الربا، نصاباً وفتویٰ إذ هو فرار من الباطل إلى الحق، وقد يتخلص من الربا أيضا بأن يبيع أحد المتبايعین سلعته من صاحبه بجنس غیر جنسها، ثم يشتري من الآخر سلعته بالثمن الذي باع به سلعته، وحينئذ يسقط اعتبار المساواة،) ما این چند روز شرح این چند عبارت مرحوم صاحب جواهر داشتیم. این همان راه ضمیمه کردن به جنس و غیر آن بود. (ضرورت عدم بیع کل منهما بالآخر حتی یشرط ذلك تخلصاً من الربا، فلو باع مثلاً وزنة من الحنطة بعشرة دراهم، ثم اشترى منه وزنتین بذلك صح. وكذا لو وهبه أحدهما سلعته ثم وهبه الآخر الأخرى من غير معاوضة) هبه معوضه نباشد. بخشش در مقابل بخشش ولی نه به عنوان شرط بخشش. اگر قلم و کتاب هبه شود به شرط زیاده حرام است. با زیاده حرام؛ هبه معوضه با زیاده حرام و هبه بدون شرط و عوض حلال (وإلا بنی الحال علی اختصاص الربا بالبیع وعدمه، أو أقرض سلعته صاحبه، ثم أقرضه هو وتبارعا، وكذا لو تبايعا متساویا ووهبه الزیادة إلى غیر ذلك مما یخرج عن بیع المجانس بمثله متفاضلا) راه‌های خروج از ربا که حدود ۶-۷ قسم است آوردند. این فقیه پویا است. ایشان

بیانی دارند (لکن قال المصنف هنا كل ذلك من غير شرط وهو متجه في الأخير، ضرورة حصول الزيادة باشتراط هبة الزيادة[6]»

به نظر مصنف همه این راه‌ها نباید شرط شود. ایشان می‌فرمایند: در آخری وجیه است. تأملی فرمودند که خیلی ظریف است. گاهی با کوچک‌ترین تأملی در ربا می‌افتد. با قید بخشش، حرام و بدون آن، حلال است؛ هبه‌ی غیر معاوضه‌ای باید باشد.

عنایت داشته باشید که جای یک سؤال هست که آیا مبادله مال به مال هست یا خیر؟ ما چیزی می‌دهیم و چیزی می‌گیریم. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم هبه معاوضه‌ای است. کسی که زیاده می‌گیرد و می‌بخشد، در آن عوضی هست. ربا هست یا خیر؟ اگر چنین اشکال شود، عرض ما این است که معاملات، به قصود هستند. قصد در معامله، همه‌کاره است. کسی مالی می‌دهد و کتابی می‌دهد و چیزی می‌گیرد. ما قبض و اقباض خارجی را می‌بینیم. باید از آن قبض و اقباض، نیت ذهنی هم باشد. جواب این است که «إنما العقود بالقصود»؛ اگر معاوضه است، باطل است؛ اگر همین طور می‌بخشد، اشکالی ندارد. ادامه عبارت صاحب جواهر را بنگرید:

-3.1.2.2- عمومیت ربا در همه معاملات است، نه فقط در بیع

«لما عرفت سابقا من تحقق الربا بالزيادة في العقد ولو حكما كاشتراط الأجل ونحوه، وفي سابقه على إرادة القرض بشرط قرض الجنس الآخر، والتباري) بری کردن (بعد ذلك، فإن الظاهر تحقق ربا القرض بمثل ذلك) اگر قصدشان این باشد در قرض هم هست، بل في الهبة بشرط الهبة) در هبه هم به شرط هبه ربا هست. من به شما می‌بخشم به شرط اینکه شما ببخشید باز هم حرام می‌شود.، بناء على عموم الربا للمعاوضات، إذ الظاهر كون ذلك من الهبة المعوضة، أما الأول وهو البيع بثمن مخصوص مشترطا عليه بيع الجنس الآخر بذلك الثمن، فلا أرى به بأسا، لوجود مقتضى الصحة، وعدم المانع، فإن أراد المصنف ما يشمل ذلك، كان محلا للنظر، فتأمل[7].»

-3.1.2.3- اشکال به محقق حلی رحمه الله در تبعیت عقود از قصود

ایشان تأمل به محقق حلی دارند. اینجا می‌فرمایند ما با محقق حلی تفاوت داریم.

«وكيف كان فلا يناقش في هذه الحيل، بعدم قصد هذه الأمور أولا وبالذات، ومن المعلوم تبعية العقود للقصود، لاندفاعها بالمنع من عدم القصد[8].»

درست است عوض هست، ولی عوض عرضی است نه ذاتی. «إنما العقود بالقصود»، در مورد قصد ذاتی است نه عرضی. کارگزارها و معامله‌گرهای بازار بورس و غیر آن توجه کنند که قید

زیاده اگر شرط بخشش باشد، حرام است، ولی اگر اضافه گرفتید و توجه به آن نداشتید، اشکال ندارد.

این عبارت صاحب جواهر مهم است و همه فقها باید توجه کنند:

«بل قصد التخلص من الربا المتوقف على قصد الصحيح من البيع والقرض والهبة وغيرها من العقود كاف في حصول ما يحتاج إليه البيع من القصد، إذ لا يشترط في القصد الى عقد قصد جميع الغايات المترتبة عليه، بل يكفي قصد غاية من غاياته، والله أعلم[9].»

ادب به خرج می دهند و می فرمایند: و الله أعلم.

گاهی وام به شرط هبه است که ربا است.

4- دو مبنای کلی بین فقها در جریان داشتن ربا در همه معاملات، یا فقط در بیع

دو مبنا در میان فقها وجود دارد: یکی اینکه ربا فقط در بیع است. ﴿أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ [10]. در قرض و صلح و هبه اگر زیاده باشد، دیگر ربا نیست. به نظر ما ربا یعنی زیادی در معامله، نه زیادی در بیع. ما همه معاملات را اگر زیاده داشته باشد، ربوی می دانیم؛ در نتیجه زیاده در آنها هم حرام است و راه برون رفت، قصد است.

5- نظر صاحب عروه رحمه الله در جریان داشتن ربا در هبه

عبارت صاحب عروه ج ۱ ص ۹

«والظاهر جريانه في الهبة المعوضة كما اختاره المحقق في الشرايع و صاحب الجواهر، لأنها و إن كانت هبة في مقابلة هبة إلا أنها في اللب مبادلة بين الموهوبين[11].»

ایشان می فرمایند: ربا در هبه‌ی معوضه هم جریان دارد، همان طور که صاحب شرایع و صاحب جواهر فرموده‌اند؛ چون هبه‌ی معوضه هر چند هبه در مقابل هبه است، ولی در حقیقت مبادله بین دو طرف هبه کننده است.

6- اشکال ما به صاحب عروه رحمه الله

با کمال معذرت از سید بزرگوار - سید یزدی رضوان الله علیه - ما تأملی که داریم، می گوئیم: بله گاهی توجه به هبه دارد و گاهی توجه به مابه‌ازاء ندارد؛ توجه به آن شرط است. روایاتی داشتیم که زیاده را به قید زیاده می دهد و گاهی به قید تبرع؛ اگر توجه نداشت، اشکالی ندارد.

7- مبنای مختار: جریان داشتن ربا در همه معاملات

ما ربا رادر همه معاملات وارد می‌دانیم و فرقی بین معاملات نیست. ﴿أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ﴾، [12] به همان مبنای در اصول، تمثیلی است، نه تخصیصی. این بیع، رایج بوده و به عنوان مثال وارد شده است. «العقود تابع للقصود»؛ قصد اگر زیاده نباشد، اشکال ندارد. بین هبه طرفینی و معاوضه‌ای، با هبه به شرط زیاده فرق است.

---

[1] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسی، ج ۷۴، ص ۱۷۸.

[2] معانی الأخبار، الشیخ الصدوق، ج ۱، ص ۲۳۹.

[3] فرقان/سوره ۲۵، آیه ۷۴.

[4] مسند أحمد مخرجا، أحمد بن حنبل، ج ۱۵، ص ۱۲۰.

[5] شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام - ط اسماعیلین، المحقق الحلّی، ج ۲، ص ۴۱.

[6] جواهر الكلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج ۲۳، ص ۳۹۶.

[7] جواهر الكلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج ۲۳، ص ۳۹۶.

[8] جواهر الكلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج ۲۳، ص ۳۹۶.

[9] جواهر الكلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج ۲۳، ص ۳۹۷.

[10] بقره/سوره ۲، آیه ۲۷۵.

[11] العروة الوثقی - جماعة المدرسین، الطباطبائی الیزدی، السید محمد کاظم، ج ۶، ص ۱۹.

[12] بقره/سوره ۲، آیه ۲۷۵.